

سرود وصله و قبا

Lied Flicken und vim Rock

از سروده های نمایش نامه "مادر"

می شود زنده قبای ما هر گاه به پیکرهامان
تو دوان می آیی، می گویی این اوضاع
نتواند یابد دیگر ازین بیش دوام
و به هر صورت ممکن، باید کرد کنون یاری تان.
می دوی پس با صد شوق سوی اربابان
چشم در راه تو ما مانده، ز سرما لرزان.
فاتحانه بازآیی، دهی از دور نشان
آن چه دادند سرانجام ترا:
وصله ای ناقابل.

وصله، خود، چیز بدی نیست، ولی، پاسخ ده:
به کجا رفت قبای کامل؟
چون بر آریم ز دست شکم گرسنه فریاد و فغان
تو دوان می آیی، می گویی این اوضاع
نتواند یابد دیگر از این بیش دوام
و به هر صورت ممکن، باید کرد کنون یاری تان.
می دوی پس با صد شوق سوی اربابان
چشم در راه تو ما مانده، همه گرسنگان.

فاتحانه بازآیی، دهی از دور نشان

آن چه دادند سرانجام ترا:

لقمه ای ناقابل.

خرده نان چیز بدی نیست، و لیکن به کجاست

قرص نان کامل؟

احتیاج ما بس بیشتر از یک وصله ست

ما قبا می خواهیم.

احتیاج ما بس بیشتر از یک لقمه است

قرص نان کامل می خواهیم.

احتیاج ما بس بیشترست از یک شغل

کارخانه باید باشد از آن همه ی کارگران

با زغال سنگش، با سنگ معدن و کان

قدرت دولت، افزون بر آن.

احتیاج است بدین ها ما را.

چه توانی تو به ما داد اما؟

برتولت برشت

۱۹۳۱

منبع هر دو شعر از: سرودهای ستایش و اشعار دیگر، برتولت برشت،

ترجمه سعید یوسف، انتشارات خاوران، چاپ اول، مرداد ۱۳۶۴

راه حل

در پی شورش در هفدهم ژوئن
مشتی اعلامیه آورد دبیر کانون و قلم و
در کوی استالین
پخش کرد آن ها را.
مضمونش بود چنین:
اعتماد دولت گویا باعث شده برخی مردم
استفاده ی سوء از آن بکنند.
حال اگر می خواهند
اعتماد دولت را از نو جلب کنند
کار و فعالیت را می بایست دوچندان بکنند.
ساده تر، لیکن، ازین کار نبود
گر که دولت مردم را منحل می فرمود
انتخاب از نو می کرد به نام مردم جمعی را؟

۱۹۵۳

بازنویس: یاشار آذری

آدرس اینترنتی کتابخانه: <http://www.javaan.net/nashr.htm>

آدرس پستی: BM IWSN, London WC1N ۳XX, UK

ایمیل: yasharazarri@yahoo.com

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری